

## اخبار و گزارش های کارگری 26 شهریورماه 1402

- اعتصاب غذای سروناز احمدی در زندان اوین، در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان تبعیدی به زندان قزلحصار

- کیوان مهدی بعد از نه روز انفرادی به بند عمومی بازگشت

- یکشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار و وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با برپایی تجمع

مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان کرمانشاه

- استعفای جمعی از معاونین و کارکنان اداره حقوقی کانون وکلا دادگستری مرکز در اعتراض به طرح ها و لوایح ناکارآمد، عزل و نصب های مدیران و اخراج اساتید دانشگاه ها

- احکامی که دوبرابر اجرایی می شوند!

- روزان ملکی؛ احضار و بازجویی یک نوجوان ۱۶ ساله توسط اداره اطلاعات مریوان

- سنندج؛ بازداشت کاوان رضایی، نوجوان ۱۵ ساله توسط اداره اطلاعات

- برگزاری جلسه محاکمه کامران ساختمانگر

- محمود صفدری معلم بازداشتی به قید کفالت آزاد شد

- آزادی جلوه جواهری با تودیع وثیقه 500 میلیون تومانی

\*\*\*\*\*

\*اعتصاب غذای سروناز احمدی در زندان اوین، در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان تبعیدی به زندان قزلحصار

سروناز احمدی با انتشار نامه ای از اعتصاب غذایش از روزیکشنبه 26 شهریور در زندان اوین، در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان تبعیدی به زندان قزلحصار خبر داد.

متن نامه:

سروناز احمدی هستم، مددکار در حوزه کودکان و مترجم و در حال حاضر زندانی در زندان اوین. تقریباً سه سال است که همسرم کامیار فکور را می شناسم. در همین سه سال پنج بار کامیار را از من ربودند. کامیار خبرنگار در حوزه اقتصاد محیط زیست، ترانه سرا و خواننده موسیقی رپ است و از اولین لحظاتی که از او به یاد می آورم در جنگ بوده، برای رهایی کارگران و از میان برداشتن بیگانگی مان با طبیعت. کامیار بیست و هشت ساله است و تاکنون شش پرونده برایش ساخته اند، با اتهاماتی مثل شرکت در تجمع برای اعتراض به دستمزدهای که تا روز دهم ماه هم نمی رسد، باز نشر گزارش های محیط زیستی در روزنامه رسمی کشور و حمایت از کارگران و معلمان و بازنشستگان، پرونده هایی که در مواردی با ضرب و شتم شدید همراه بوده است. ما تنها دو هفته از ازدواجمان گذشته

بود که در جریان جنبش زن زندگی آزادی بازداشت شدیم و در نهایت من با حکم سه سال و شش ماه و کامیار با حکم دو سال و هشت ماه حبس به زندان اوین منتقل شدیم، در حالی که با توجه به اتهاماتمان یعنی تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی باید مشمول عفو ۱۴۰۱ می شدیم که البته آن را دستاورد شمار زیاد مشارکت کنندگان در این جنبش می دانم. دوازدهم شهریور کامیار را به همراه دوازده زندانی دیگر با دروغ در روز ملاقات به بند امن زندان قزلحصار کرج تبعید کردند، یعنی سرکوب در سرکوب. حالا در زندگی مشترکمان همان هفته ای یک یا دو بار ملاقات را نیز سه هفته است که نداریم و تنها سه بار برایم از زندان تماس برقرار کرده اند، تماس های سه دقیقه ای با حضور ماموران. هر روز هم خبری از وضعیت اسفبارشان می رسد، از ضرب و شتم تا بی هوشی جعفر ابراهیمی، معلمی که به جای تبعید به خاطر وضعیت وخیم سلامتی اش باید عدم تحمل حبس دریافت می کرده است. در روز این تبعید پس از اعتراض با همراهی همبندیانم به من وعده داده شد که کامیار تا یک هفته آینده به خاطر حضور من در زندان اوین به این زندان بازمی گردد اما هنوز این اتفاق نیفتاده است. حالا این سیزده نفر در اعتصاب غذا هستند در حمایت از قیام ژینا و بار دیگر نشان داده اند که هر جا ستمی هست مقاومتی هم هست. من هم از امروز بیست و ششم شهریور در همراهی با مقاومت این زندانیان در اعتصاب غذا خواهم بود و پس از پایان اعتصاب غذای این زندانیان هم اعتراض به این تبعید و سرکوب مضاعف در زندان از طریق تبعید را با تحسن و در صورت لزوم مجدداً اعتصاب غذا نشان خواهم داد، تا زمانی که همسرم به این زندان بازگردانده شود و هر دو در یک زندان باشیم.

این اعتراضی ست به سرکوب مضاعف زندانی از طریق تبعید در محل سرکوب یعنی زندان، این اعتراضی ست برای سوی چشمان جعفر ابراهیمی، اعتراضی ست برای عشق، عشق های خاموش نشدنی دشوار. این اعتراضی ست به تمام آزار و اذیت ها و اضطراب ها و نگرانی هایی که در عشق با آن مواجه مان می کنند. این اعتراضی ست کوچک برای یادآوری رنج ها و مقاومت های بزرگ، برای یادآوری پیراهن سرخ عروسی مریم همسر بکتاش آبتین، برای هم قطاری ام آنیثا اسدالهی که همان تماس سه دقیقه ای را هم با همسرش کیوان به جرم خواندن شعر ندارد، برای سعید سلطانی پور که در شب عروسی اش او را ربودند تا به خیال خود از صحنه زندگی محوش کنند، برای پوری و مرتضی کیوان، برای آن هایی که برای عشق از آن ها حتی یک گور مشخص هم باقی نمانده و برای حنانه کیا. این اعتراض اگرچه پس از پایان این اعتصاب غذای جمعی، جلوه اقدامی فردی را خواهد داشت اما با ایمان به قدر جمعمان است و با امید به اینکه آنچه از من باقیمانده بسنده است تا آن خیالواره سبک وزن بر تباهی واقعیت چیره شود.

سروناز احمدی

بند زنان زندان اوین

۲۶ شهریور ۱۴۰۲

**\*کیوان مهدی بعد از نه روز انفرادی به بند عمومی بازگشت**

کیوان مهدی نویسنده و عضو کانون نویسندگان که نه روز پیش بخاطر یک فایل صوتی در حمایت از جعفر ابراهیمی و کامیار فکور به انفرادی زندان اوین منتقل شده بود، امروز به بند عمومی زندان بازگشت.

این زندانی سیاسی، اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شد و در حال گذران پنج سال حبس خود می‌باشد.

انیشا اسدالهی، همسر کیوان مهتدی نیز در زندان اوین می‌باشد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

**\*یکشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار و وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی بابرپایی تجمع**

**مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان کرمانشاه**

**شعارها:**

«بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن»

«بازنشسته می میرد ذلت نمی پذیرد»

«بازنشسته بپاخیز برای رفع تبعیض»

«خواسته ما این زمان معیشت است و درمان»

«حقوق نصف نیمه سکوت کنی همینه»

«نه دولت نه مجلس نیستند بفکر ملت»

«دولت خیانت می کند مجلس حمایت می کند»

«دولت ورشکسته دشمن بازنشسته»

«کشور پر درآمد چه برسر تو آمد»

**\*استعفای جمعی از معاونین و کارکنان اداره حقوقی کانون وکلا دادگستری مرکز در اعتراض به طرح‌ها و لوایح ناکارآمد، عزل و نصب های مدیران و اخراج اساتید دانشگاه ها**

روز شنبه 25 شهریور، جمعی از معاونین و کارکنان اداره حقوقی کانون وکلا دادگستری مرکز بیانیه ای در رابطه استعفایشان در اعتراض به طرح‌ها و لوایح ناکارآمد، عزل و نصب های مدیران و اخراج اساتید دانشگاه ها منتشر کردند.

**متن بیانیه:**

در هنگامه‌ای که شاهد گذراندن طرح‌ها و لوایح ناکارآمد، مغایر با قانون اساسی، سیاستهای کلی و موازین شرعی و البته علیه نهاد مستقل وکالت دادگستری نزد مراجع تصمیم‌گیر از یک سو و اخراج گسترده اساتید دانشگاه از سوی دیگر هستیم، رئیس هیأت مدیره محترم دوره سی و دو کانون وکلای دادگستری مرکز، در اقدامی شگفت‌انگیز و ناعادلانه، بدون اطلاع قبلی و رعایت حداقل پروتکل‌های حقوقی و اداری ناظر بر تحویل و تحول، مبادرت به تغییر ناگهانی رئیس اداره حقوقی در آستانه ایام

تعطیلی که امکان اعتراض وجود ندارد، نمود. همانگونه که قابل پیش‌بینی بود، این رویکرد ناعادلانه، سبب بدبینی، تشویش، ناخشنودی و بهت‌زدگی همکاران و فعالین صنفی گردیده و بیش از پیش، موج نارضایتی و ناامیدی ایجاد کرده است.

یکی از پایه‌های حاکمیت قانون، وجود نهادهای مدنی پویا، کارا و فعال است. نهادهایی مبتنی بر حاکمیت قانون، شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی و نیز لزوم بهره‌گیری از همه سرمایه‌ها و جریان‌های فکری و نیز افروختن شعله نقد و گفتگو و هم‌اندیشی که زیربنای توسعه پایدار است، و نیز تعاطی افکار و تضارب آراء که مراد و مطلوب و غایت وجودی آنهاست و به حفظ ثبات و سلامت پیکره تشکیلاتی-سازمانی آن و نیز تنظیم روابط آن با درون و بیرون یاری می‌رساند.

در شرایطی که همگان شاهد مجاهدت‌های بی‌وقفه ریاست و معاونین و همکاران محترم اداره حقوقی در راستای پیشبرد اهداف آن اداره نوپا و اعتلای کانون وکلا گاه تا پاسی از شب بوده‌اند، تغییر ناگهانی، غیرشفاف و بی‌دلیل رییس آن اداره، تنها بستری جهت تضعیف هرچه بیشتر ستون‌های خانه صنفی‌مان فراهم نموده و عرصه را بیش از پیش بر دلسوزان و آنان که دل در گرو این خانه قدیمی نهاده‌اند، تنگ می‌نماید.

مسئله هدف و منظور از این نگاره، به کرسی نشستن مادام‌العمر هیچ‌کس بر هیچ صندلی نبوده و نیست و چرخش تصدی‌گری خود از اصول اساسی و پایه‌ای دموکراسی و تضمین‌کننده موارد پیش‌گفته است لیکن در شرایطی که تمامی وظایف در این اداره به درستی و در مسیر خود پیش می‌رفته و تنها یک سال از پایان عمر هیأت مدیره محترم باقی مانده، تغییر رئیس محترم آن اداره که به حسن نیت و عرق صنفی شهره هستند و جز در لوای حکومت قانون و منافع خانه صنفی انجام وظیفه نکردند، تصمیمی است که شاکله‌ی برنامه‌های جاری و مدنظر این اداره مهم کانون وکلا را از هم خواهد پاشید.

آیا جز این است که تغییر ناگهانی مدیری خدوم نتیجه‌ای جز اخراج جرات و جسارت و ترویج بی‌عملی و ایجاد موج حرمان و ناامیدی که اکنون بیش از همیشه بر جان خانه صنفی چون اختاپوسی شوم سایه افکنده است، خواهد داشت؟ و کیست که نداند هر تغییر و تحولی آداب حرفه‌ای، پروتکل اخلاقی و تشریفاتی دارد و از آن مهمتر، دلیلی برای آن باید تا اذهان عمومی را قانع سازد؟!!

استمرار این شیوه نامرئوسوم و اصرار بر این مشی و روش غلط، موجب تحمیل هزینه‌های بیشتر بر هویت جمعی خواهد داشت و دست بدخواهان را در این خلأها و کنش و واکنش‌های غیراصولی برای دست یازیدن به خانه صنفی هرچه بیشتر باز می‌گذارد.

در این دوره نه‌چندان کوتاه با ریاست محترم جناب وکیل محمد شیوایی، از تعداد زیادی از پرونده‌های له یا به‌نردت علیه کانون وکلا دفاع شد و همکاران زیادی به واسطه عملکرد حرفه‌ای و رفتار دوستانه ریاست و معاونین محترم آن اداره با آن همکاری نمودند که لزوماً با دستورالعمل سازمانی دستیابی به این جمع صمیمانه و چنین همدلی میسر نبود و اگر چنین سلوک و منش دوستانه و حرفه‌ای نبود، بسیاری از ایشان حاضر به ادامه آن و انجام این وظیفه و افتخار خطیر نبوده و نیستند، و چه‌بسا تکلیف ادامه همکاری با آن اداره برای ایشان با شرایط جدید مصداق تکلیف مالایطاق است.

با عنایت به افول گسترده تصمیمات در دوره هیات مدیره کنونی و انحطاط فضایی که در آن به سر می‌بریم که دیگر، نظر اکثریت وکلا، مورد مراجعه قرار نمی‌گیرد، سایر همکاران خدمتگذار در این اداره بیش از آنکه دغدغه تغییر یا حفظ مقام یا جایگاهی در آن داشته باشند، آن را یک آسیب و خسران فرهنگی، حقوقی و صنفی برای موکل خود می‌پندارند که همانا کانون معزز وکلای دادگستری مرکز می‌باشد.

لذا با عنایت به وظیفه‌ی ذاتی و اخلاقی وکالت که همانا اتخاذ تصمیم درست به نفع موکل به صورت مستقل و به دور از هرگونه هیجان‌زدگی یا حاشیه‌سازی یا سیاه‌نمایی یا سیاست‌پیشگی است، ضمن تذکر صریح و گوشزد نمودن قواعد اخلاقی عزل و نصب و همچنین تاکید بر ضرورت اعلام روشن و بی‌پرده و به موقع خطرات چنین تصمیماتی به نمایندگان خود در طبقه چهارم کانون وکلای دادگستری مرکز، این روند قهقرایی را برنتابیده و انفعال صنفی را شأن وکالت ندانسته و بدین وسیله با کمال تأسف و ناخشنودی از این همکاری مغتتم کناره گرفته و مراتب استعفای خویش را اعلام می‌نماییم.

بدیهی است که موکل، «کانون وکلای دادگستری مرکز» می‌باشد که با عنایت به استعفای تمامی همکاران در پرونده‌های مطروحه و جاری آن اداره، هیات مدیره محترم مطابق ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی تکلیف به تعیین وکیل جدید و معرفی ایشان به مراجع قضایی مربوطه را دارد.

#### **\*احکامی که دوبرابر اجرایی می‌شوند!**

بر اساس گزارشات، ۸ دانشجوی دانشگاه دامغان که طی احکام انضباطی صادر شده در بهمن ۱۴۰۱ به یک ترم منع از تحصیل محکوم شده و این محرومیت را در ترم پیش گذرانده بودند، بار دیگر و در پی تایید این حکم از سمت کمیته مرکزی وزارت علوم، از تحصیل در نیمسال آینده محروم شدند. همچنین درخواست اقامت خوابگاه ایشان حذف شده و امکان انتخاب واحد از آنان سلب شده است.

#بهاره\_دوانی، #پریزاد\_اسماعیلی، #مهسا\_سلطانی، #میینا\_یعقوبزاده، #ملیکا\_احمدیان و #ستاره\_سبکرو دانشجویان کارشناسی رشته سینما و همچنین #ریحانه\_نیکویی دانشجوی کارشناسی رشته حقوق، #ریحانه\_خسروی دانشجوی کارشناسی رشته تلویزیون و هنرهای دیجیتال از تحصیل در ترم آتی محروم شده‌اند.

این دانشجویان در نیمسال گذشته و علی‌رغم اعتراض به حکم، در روندی غیرقانونی از ورود به دانشگاه و حضور در کلاس‌ها و خوابگاه منع می‌شوند و حکم غیرقطعی ایشان اجرایی می‌شود. این پایان ماجرا نیست و دانشگاه در اقدامی ناگهانی، در هفته‌های پایانی ترم و در بازه امتحانات، ترم تحصیلی آنان را فعال می‌کند. به دانشجویان بصورت شفاهی و بدون ابلاغیه رسمی گفته می‌شود که حکمشان بخشوده شده است و آنان باید در امتحانات شرکت کنند، در غیر اینصورت نمره صفر برای آنان ثبت می‌شود. این درحالی بود که دانشجویان به دستور دانشگاه از حضور در کلاس‌ها محروم بودند و برخی اساتید به بهانه عدم حضور دانشجویان در طول ترم، برای آنان نمره صفر ثبت می‌کنند و به این شیوه برخی از آنان مشروط می‌شوند!

حال دانشگاه مدعی است که حکم دانشجویان در ترم گذشته اجرایی نشده است و بنابراین با تایید حکم از سوی کمیته مرکزی، این افراد از تحصیل محروم شده‌اند.

بر اساس آیین‌نامه انضباطی، احکامی که به آنها اعتراض شده و در مرحله رسیدگی در کمیته مرکزی هستند، قابل اجرا نیستند. در حالی که مسئولین دانشگاه دامغان آشکارا خلاف قانون عمل کرده‌اند و باید مورد پیگرد قرار بگیرند، این دانشجویان هستند که از ساده‌ترین حقوق خود محروم می‌شوند.

#### **\*روژان ملکی؛ احضار و بازجویی یک نوجوان ۱۶ ساله توسط اداره اطلاعات مریوان**

روژان ملکی، نوجوان ۱۶ ساله اهل روستای «تنگیسر» از توابع شهرستان مریوان، به اداره اطلاعات این شهر احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

#### **\*سنندج؛ بازداشت کاوان رضایی، نوجوان ۱۵ ساله توسط اداره اطلاعات**

کاوای رضایی، نوجوان ۱۵ ساله اهل سنندج، توسط ماموران اداره اطلاعات این شهر بازداشت شد.

به گزارش رسیده به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، نصف‌شب جمعه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۲، کاوان رضایی، نوجوان ۱۵ ساله اهل سنندج، توسط ماموران اداره اطلاعات این شهر بازداشت شد.

تا لحظه تنظیم این گزارش، از علت بازداشت و اتهامات منتسب به این نوجوان ۱۵ ساله اطلاعی حاصل نشده است.

#### **\*برگزاری جلسه محاکمه کامران ساختمانگر**

امروز یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲، جلسه رسیدگی به اتهامات کامران ساختمانگر از فعالین کارگری شهر سنندج در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج و بدون داشتن وکیل برگزار شد.

اتهامات مطروحه در متن کیفرخواست دادستان و اداره اطلاعات سنندج علیه این فعال کارگری، موارد متعددی از جمله فراهوان دادن مردم به اعتراض و اعتصاب در اعتراض به قتل مهسا امینی از طریق مصاحبه با رسانه‌ها، حضور در تجمعات اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ و جنبش ژن ژیان نازادی، انتشار تصویر و پیام دایه شریفه در اعتراض به مرگ مهسا امینی و حمایت علنی از خانواده رامین حسین پناهی و تشویق مردم به اعتراض و حضور در خیابانها علیه نظام از طریق فضای مجازی و همکاری با احزاب سیاسی کردستان را در برداشت که کامران ساختمانگر در قبال اتهامات مطرح شده از خود دفاع نمود.

برگرفته از کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

#### **\*محمود صفدری معلم بازداشتی به قید کفالت آزاد شد**

محمود صفدری, دبیر تشکل سازمان معلمان ایران شاخه خراسان شمالی و عضو انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی که شامگاه ۲۵ شهریور توسط اطلاعات سپاه در منزل خودش بازداشت شده بود به قید کفالت آزاد شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

**\*آزادی جلوه جواهری با تودیع وثیقه 500 میلیون تومانی**

کاوه مظفری، همسر جلوه جواهری از آزادی همسرش از زندان لاکان رشت با تودیع وثیقه 500 میلیون تومانی خبرداد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)